

چرا دریاچه ارومیه احیا نشد؟

نقدی بر عملکرد ستاد احیای دریاچه ارومیه

9

جلوهای از آنچه در نظام حکمرانی آب و غذای کشور می‌گذرد.

چکیده

مسئله خشکیدن دریاچه ارومیه در تیرماه ۱۴۰۱ دوباره بحث روز شده است. بحث‌های تئویتری و دعواهای فضای مجازی برای آگاه کردن نسبت به مسائل خوبند اما نمی‌توانند جایگزین سیاست‌پژوهی و بررسی عمیق‌تر مسائل شوند. برای رها شدن از این وضعیت باید گزارش‌های سیاست‌پژوهی دقیق نوشت، کاری که در این کشور مغفول است. من به زعم خودم برای سهیم شدن در فرایند عقلانی نقد سیاست‌ها و برای آن‌که اشتباهات گذشته تکرار نشود، و مسئله خشکیدن یا احیای دریاچه از مقوله‌ای سیاسی، قومی یا جناحی به مسأله‌ای واقعاً سیاسی و مسأله واقعی روی میز ایران، سیاست‌مداران و مردم تبدیل شود، ۲۰ صفحه درباره فرایند سیاستی مرتبط با احیای دریاچه ارومیه نوشته‌ام. همه داده‌ها در این گزارش مستند است. امیدوارم این تلاش حداقلی، در حد وسع، به افزایش عقلانیت و تصحیح خطاها – از جمله خطاهای خودم در این گزارش – و خطاهای سیاستی در فرایند احیای دریاچه ارومیه و بهبود وضعیت سایر پیکره‌های آبی کمک کند.

تقدیم به ایران، ایران‌دوستان و دغدغه‌مندان ایران

محمد فاضلی

تیرماه ۱۴۰۱

Email: mfazeli114@gmail.com

Instagram: https://www.instagram.com/daghdagheh_iran

Telegram: https://t.me/fazeli_mohammad

Podcast: <https://castbox.fm/va/3687714>

چرا دریاچه ارومیه احیا نشد؟

- ۱ مقدمه
- ۱ فرایندهای سیاستی
- ۱۰ تغییرات هیدرولوژیک و اقدامات وزارت نیرو در حوضه دریاچه ارومیه
- ۱۰ ایده‌های منتقدان چه بوده است؟
- ۱۶ رد برخی فرضیات درباره علل شکست احیای دریاچه
- ۱۷ تبیین ناکامی در احیای دریاچه ارومیه
- ۲۰ دام مسیر طی شده
- ۲۰ جمع‌بندی

مقدمه

عملکرد ستاد احیای دریاچه ارومیه و ناکامی در احیای دریاچه را باید با توجه به «فرایند سیاستی» طی شده برای تشکیل و سیاست‌های ستاد، و ماهیت عملکردهای آن ارزیابی کرد. این تحلیل تلاش می‌کند از طریق بررسی فرایند زمانی پیشبرد پروژه احیا، فرایندهای سیاستی، و احصا کردن انتقادهای واردشده توسط متخصصان منتقد به برنامه ستاد احیا، چرایی بخش مهمی از ناکارآمدی ستاد احیای دریاچه ارومیه را توضیح دهد.

فرایندهای سیاستی

۱. تفاهم‌نامه‌ای میان سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت کشور و استانداری‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۷ برای «حفاظت و مدیریت پایدار حوضه آبریز دریاچه ارومیه» امضا می‌شود. «کمیته ملی مدیریت پایدار حوضه آبریز دریاچه ارومیه» و «شورای منطقه‌ای مدیریت حوضه آبریز دریاچه ارومیه» بر اساس همین تفاهم‌نامه شکل می‌گیرد.
۲. هیئت وزیران به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط‌زیست، «ستاد اجرایی مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه» را در ۱۳۸۹/۱/۱۵ تصویب می‌کند. این مصوبه به امضای معاون اول رئیس‌جمهور در ۱۳۸۹/۱/۲۹ (نامه شماره ۴۴۰۷۰/۱۷۱۸۲) ابلاغ شده است. دبیرخانه ستاد هم در سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار داده می‌شود. شرح وظایف دستگاه‌ها نیز در این مصوبه مشخص شده است.
۳. «ستاد اجرایی مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه» در بهبود وضعیت دریاچه و ایفای وظایف خود ناکام می‌ماند و نهایتاً وضعیت بحرانی دریاچه در سال ۱۳۹۲ حادث می‌گردد.
۴. هیئت وزیران در ۱۳۹۲/۵/۲۷ «کارگروه نجات دریاچه ارومیه» با مسئولیت وزیر نیرو را تشکیل می‌دهد تا «با استفاده از مطالعات انجام‌شده قبلی و نظرات تشکل‌های مردم‌نهاد» وضعیت دریاچه و راهکارهای عملی نجات آن را بررسی کرده و ظرف دو ماه نتیجه را برای تصمیم‌گیری نهایی به هیئت وزیران ارائه کند.
 - چرایی ناتمام گذاشتن مأموریت ستاد و انتقال مسئولیت آن از سازمان حفاظت محیط‌زیست به وزارت نیرو در اسناد موجود مشخص نشده است.
۵. فراخوان عمومی وزارت نیرو برای کسب راهکارهای احیای دریاچه نیز در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۶ داده می‌شود. وزارت نیرو هم‌چنین نشست‌هایی را با حضور اساتید، نمایندگان و سمن‌ها در پاییز ۱۳۹۲ برگزار می‌کند. همایشی در ۴ مهرماه ۱۳۹۲ توسط وزارت نیرو برگزار می‌شود و طی آن ۴۳ طرح دائمی، کوتاه، میان و بلندمدت تدوین می‌شود. نقشه راه نجات دریاچه نیز بر اساس این ۴۳ طرح تدوین می‌شود که شامل طرح‌هایی مرتبط با محورهای زیر است:
 - ساختار مدیریت و پایش (۲ محور)
 - اقلیم (۲ محور)

- مدیریت منابع آب (۱۱ محور)
 - الگوی توسعه منطقه‌ای (۱۸ محور)
 - پایداری دریاچه (۸ محور)
 - انتقال آب (۲ محور)
 - اثر پل میان‌گذر شهید کلانتری (۱ محور)
۶. گزارش وزارت نیرو درباره اقدامات کارگروه نجات دریاچه ارومیه در جلسه ۱۳۹۲/۷/۱۷ هیئت دولت ارائه و با طرح‌های اولویت‌دار موافقت می‌شود. (نامه ۴۹۵۰۳/۱۳۹۱۲۶ مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۱ دبیر هیئت دولت به وزیر نیرو). این اقدامات در نهایت در قالب ۱۹ اقدام راهکارهای مستمر، کوتاه، میان و بلندمدت تدوین و ارائه می‌شود. هیئت وزیران این اقدامات را تصویب می‌کند.
۷. این اقدامات را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد.

○ ایجاد یا حذف سازه‌ها

۱. بازگشایی مسیر آبراهه‌های ورودی به دریاچه
۲. حذف دایک‌های ایجادشده برای مهار پیشروی دریاچه ارومیه به مسیل‌ها
۳. انتقال پساب تصفیه‌خانه‌های حوضه آبریز دریاچه ارومیه به دریاچه
۴. توقف کلیه طرح‌های سدسازی در دست مطالعه و اجرایی و طرح‌های شبکه‌های آبیاری و آبرسانی پایین دست در حوضه آبریز دریاچه ارومیه
۵. انتقال آب به جزایر و تالاب‌های حاشیه دریاچه ارومیه از سد حسنلو
۶. تأمین اعتبار مورد نیاز و تسریع در انتقال آب از رودخانه زاب به حوضه آبریز دریاچه ارومیه
۷. عملیات آبخیزداری با تأکید بر آبخوانداری جهت تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی

○ مطالعات

۱. مطالعه برای استخراج و بهره‌برداری نمک و اجرای طرح‌های صنعتی برای نجات دریاچه
 ۲. مطالعه طرح انتقال آب دریای خزر به دریاچه ارومیه
 ۳. مطالعه و بررسی اثرات احداث جاده میان‌گذر شهید کلانتری بر کاهش تراز آب دریاچه ارومیه
- اقدامات اجتماعی، کنترل و کاهش مصرف آب
۱. ساماندهی چاه‌های حوضه آبریز دریاچه ارومیه و نصب کنتور هوشمند
 ۲. تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه
 ۳. جلوگیری از برداشت غیرمجاز از آب‌های سطحی
 ۴. جلوگیری از توسعه سطح اراضی کشاورزی در حوضه با استفاده از سازوکارهای تشویقی و تنبیهی
 ۵. مدیریت نهاده‌های کشاورزی در حوضه با توجه به محدودیت منابع آب و عدم واگذاری این نهاده‌ها به بهره‌برداران غیرمجاز منابع آب
 ۶. آیش‌بندی کشت‌های یکساله با اعمال محدودیت عرضه آب و تدوین اجرایی کردن الگوی کشت مناسب

۷. اجرای برنامه آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص وضعیت دریاچه و نقش مردم و جوامع محلی در احیای دریاچه ارومیه
۸. استقرار سیستم تصمیم‌یار حوضه آبخیز دریاچه ارومیه بر اساس برنامه مدیریت ریسک خشکسالی حوضه.
۹. تهیه سیستم نقشه‌های کاداستر زراعی و باغی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه
۸. نمایندگان آذربایجان شرقی در ۱۳۹۲/۸/۱۲ درخواست می‌کنند به جای «کارگروه نجات دریاچه ارومیه» (مصوب ۱۳۹۲/۵/۲۷ هیئت دولت) کمیسیونی با اختیارات اصل ۱۳۸ قانون اساسی تشکیل شود که پذیرفته نمی‌شود.
۹. هیئت وزیران در ۱۳۹۲/۱۱/۳ ریاست کارگروه نجات دریاچه ارومیه (موضوع نامه ۴۹۵۰۳/۱۱۱۴۶ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۸) را بر عهده معاون اول رئیس‌جمهور گذاشته و عیسی کلانتری را به عنوان دبیر کارگروه مشخص می‌کند. مسئولیت کارگروه عملاً از وزیر نیرو به دبیر کارگروه منتقل می‌شود.
۱۰. نقشه راه احیای دریاچه ارومیه در فاصله ۱۳۹۲/۱۱/۲ تا ۱۳۹۳/۳/۱۷ توسط ستاد احیای دریاچه ارومیه تدوین شده و در دو جلسه کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور (۱۳۹۳/۲/۱۹) و رئیس‌جمهور (۱۳۹۳/۴/۸) به تصویب می‌رسد.
۱۱. گزارش‌های پژوهشی متعددی از سال ۱۳۹۲ و حتی پیش از آن منتشر شده‌اند که شناخت‌های مناسبی از چرایی خشک شدن دریاچه ارومیه ارائه کرده و راهکارهایی پیشنهاد می‌کنند. دقت در این گزارش‌ها، و سنجش میزان عمل به راهکارهای پیشنهاد شده توسط آن‌ها، ارزیابی عملکرد ستاد احیا را ممکن می‌سازد.
- گزارش «نگاهی اجمالی به وضعیت دریاچه ارومیه و راهکارهای پیشنهادی علاج‌بخشی آن»، شرکت مهندسی مشاور لار، مهر ۱۳۹۲.
- این گزارش نقش توسعه کشت، محصولات پرآب‌بر، سدسازی بی‌رویه، و برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی را عوامل عمده خشک شدن دریاچه اعلام می‌کند.
 - تأمین حقابه‌های محیط‌زیستی، مسدود کردن فوری چاه‌های غیرمجاز، نصب کنتور برای پایش برداشت، اصلاح الگوی کشت، جذب مشارکت مردم برای تغییر الگوی کشت، نکاشت در مناطق مختلف حوضه به صورت متناوب، کاهش تلفات آب در مسیر رودخانه‌ها، انتقال آب از حوضه ارس و تصفیه و انتقال پساب‌ها در این گزارش به عنوان راهکارهای اصلی احیای دریاچه ذکر شده‌اند.
 - گزارش فاقد تحلیل‌های دقیق درباره سهم هر یک از راهکارها در تأمین حقابه دریاچه است.
 - گزارش درباره ملاحظات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اجرای هر یک از راهکارها، ساکت است.
- گزارش «تدوین چشم‌انداز احیای دریاچه ارومیه»، ستاد احیای دریاچه ارومیه، شهریور ۱۳۹۳.
- هدف ستاد احیای دریاچه، بازگشت دریاچه به تراز اکولوژیک در سال ۱۴۰۲ (بازه ۱۰ ساله) تعیین می‌شود.
- ۱۳۹۲-۱۳۹۴: دوره تثبیت
 - ۱۳۹۵-۴۰۱: دوره احیای دریاچه
 - ۱۴۰۱-۱۴۰۲: دوره احیای نهایی.

چرا دریاچه ارومیه احیا نشد؟

- صریحاً روش انتقال آب از حوضه‌های دیگر را خارج از دستور کار قلمداد کرده و رویکرد سازه‌ای به احیای دریاچه را اشکال تلقی می‌کند. (ص. ۲)
- راهکار افزایش حجم آب ورودی به دریاچه از طریق کاهش مصارف آب در بخش کشاورزی حوضه و همچنین کاهش تلفات در مسیر انتقال آب به پیکره آبی، محور اصلی اقدامات احیای دریاچه تلقی شده است. (صص. ۳-۴)
- جدول شماره ۱ به عنوان برنامه زمانی احیای دریاچه ارومیه ارائه می‌شود. (ص. ۶)

سال (شمسی)	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	
ورودی طبیعی رودخانه‌ها	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۵۰	۱۶۰۰	۱۶۵۰	۱۷۰۰	۱۸۰۰	
انتقال از زاب						۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	
انتقال از ارس						۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	
انتقال پساب						۱۰۰	۲۰۰	۲۵۰	۳۰۰	۳۰۰	
انتقال آب به پیکره‌ی آبی دریاچه (کاهش تلفات)	۱۵۰	۲۰۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	
صرفه‌جویی ۴۰٪ بخش کشاورزی (سالانه ۸ درصد)	-	۲۲۷	۴۵۰	۸۰۰	۱۰۷۰	۱۳۲۰	۱۳۴۰	۱۳۴۰	۱۳۴۰	۱۳۴۰	
رها سازی آب از سدها	۵۱۰	۵۸۰	۶۴۰								
کل تبخیر (میلیون مترمکعب)	۲۱۶۰	۲۵۰۷	۲۸۴۰	۲۵۵۰	۳۰۶۰	۴۰۸۰	۴۱۸۰	۴۲۸۰	۴۳۳۰	۴۴۳۰	
حجم نهایی احیا شده (میلیون مترمکعب)	۳۳۴۱	۴۱۲۰	۵۰۰۱	۵۴۹۹	۶۴۹۰	۸۲۹۵	۹۹۶۳	۱۱۵۹۵	۱۳۱۲۸	۱۴۵۷۴	
سطح نهایی احیا شده (کیلومتر مربع)	۲۵۳۰	۲۸۶۸	۳۰۰۵	۳۰۲۸	۳۳۳۲	۳۶۷۸	۳۸۷۶	۳۹۸۰	۴۲۶۲	۴۳۲۴	
وضعیت	دوره‌ی تثبیت	دوره‌ی احیای دریاچه‌ی ارومیه						احیای نهایی			

حوضه‌ی آب (میلیون مترمکعب)

- تحلیل این جدول نشان می‌دهد بزرگ‌ترین مقادیر آب برای احیای دریاچه عبارتند از:

- ۱۸۰۰ مم ورودی طبیعی رودخانه
- ۱۳۴۰ مم صرفه‌جویی در مصارف کشاورزی
- ۷۴۰ مم انتقال آب از زاب و ارس
- ۲۵۰ مم کاهش تلفات در انتقال آب به پیکره آبی.

- **توضیح:** اگر ستاد احیای دریاچه ارومیه طبق جدول زمانبندی موفق شده بود، در سال ۱۳۹۶ باید ۵۴۹۹ مم آب به مساحت ۳۰۲۸ کیلومتر مربع در دریاچه وجود می‌داشت. (مقادیر فعلی به ترتیب ۱,۰۷ مم آب، و ۱۷۳۸ کیلومتر مربع مساحت است.)

- هدف رسیدن به تراز ۱۲۷۴,۱ متر برای دریاچه بر اساس میزان شوری قابل تحمل برای آرتیمیای دریاچه ارومیه در نظر گرفته می‌شود. این تراز به معنای رسیدن حجم آب دریاچه به ۱۴,۷ میلیارد متر مکعب در سال ۱۴۰۲ است. حجم آب دریاچه در سال ۱۳۹۳ معادل ۲۵۰۰ میلیون متر مکعب بوده و

- بنابراین باید ۱۲۰۰۰ میلیون متر مکعب آب برای آن تأمین می‌شده است. «طرح جامع احیای اکولوژیک» به معنای «بازپس دادن حقایق دریاچه با اعمال مدیریت درست منابع آبی و جلوگیری از مصرف بی‌رویه در حوضه» (ص. ۲۳) به عنوان روش احیای دریاچه انتخاب شده است.
- مصوبات کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه در ۹ اردیبهشت و ۸ تیر ۱۳۹۳ به شرح زیر است. (توضیح: مجموع ۲۹ مصوبه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول مواردی هستند که تحقق آنها می‌تواند مستقیماً بر افزایش آب ورودی به دریاچه مؤثر باشد. دسته دوم، اقداماتی هستند که به پشتیبانی مدیریت احیا یا پایدارسازی فرایند احیا کمک می‌کنند. بندهای ۱ تا ۱۴ در دسته اول، و بندهای ۱۵ تا ۲۹ در دسته دوم قرار می‌گیرند.)
موارد دارای اثر مستقیم روی افزایش آب ورودی به دریاچه

۱. ممنوعیت افزایش برداشت آب و هر گونه توسعه کشت در بخش کشاورزی
۲. جلوگیری از برداشت غیرمجاز از آب‌های سطحی
۳. توقف کلیه طرح‌های در دست مطالعه و اجرا (به استثنای چراغ‌ویس و شهید مدنی) و طرح‌های شبکه‌های آبیاری و آبرسانی پایین دست در حوضه آبریز دریاچه ارومیه.
۴. تأمین اعتبار مورد نیاز و تسریع در انتقال آب طرح انتقال آب از رودخانه زاب به حوضه دریاچه ارومیه.
۵. ساماندهی چاه‌های حوضه آبریز دریاچه ارومیه و نصب کنتورهای هوشمند و حجمی جهت کنترل برداشت در راستای افزایش میزان جریان ورودی از رودخانه‌ها به دریاچه.
۶. انتقال پساب تصفیه‌خانه‌های حوضه آبریز دریاچه ارومیه.
۷. کنترل و کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی.
۸. کاهش ۴۰ درصدی از حقایق‌های آب‌های سطحی و زیرزمینی از طریق خرید توسط وزارت نیرو، در مدت دو سال.
۹. تهیه و اجرای برنامه‌های افزایش بهره‌وری از ۶۰ درصد آب باقی‌مانده در بخش کشاورزی توسط وزارت جهاد کشاورزی.
۱۰. تأمین سرمایه و تکنولوژی‌های مورد نیاز افزایش بهره‌وری آب باقی‌مانده توسط دولت.
۱۱. انتقال آب به جزایر و تالاب‌های حاشیه دریاچه ارومیه از سد حسنلو و بازگشایی مسیر آبراهه‌های ورودی به تالاب جنوبی.
۱۲. انتقال آب رودخانه‌ها به پیکره آبی دریاچه.
۱۳. شناسایی محدوده‌های اثرگذار بر آبدهی رودخانه‌های اصلی منتهی به دریاچه ارومیه و تقویت آنها از عملیات آبخیزداری و آبخوان‌داری به منظور افزایش حجم آب ورودی به دریاچه.
۱۴. تسریع در اجرای طرح انتقال آب از رودخانه ارس در محدوده آذربایجان غربی منحصراً برای دریاچه ارومیه بر اساس مصوبه تخصیص وزارت نیرو.

موارد مؤثر بر پشتیبانی مدیریت احیای دریاچه

۱۵. تدوین و پیاده‌سازی برنامه جامع آموزش، اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و جلب مشارکت عمومی و جوامع محلی در راستای تبیین پی‌آمدهای وضع موجود.
 ۱۶. تهیه کاداستر اراضی حوضه آبریز دریاچه ارومیه.
 ۱۷. اجرای طرح‌های مصوب توسط دستگاه‌های اجرایی، نظارت و پایش اجرای طرح‌ها توسط ستاد احیای دریاچه ارومیه.
 ۱۸. طراحی و استقرار سامانه تصمیم‌یار مدیریت جامع حوضه آبریز دریاچه ارومیه.
 ۱۹. مطالعه و بررسی اثرات جاده میان‌گذر شهید کلانتری بر اکوسیستم دریاچه.
 ۲۰. ارزیابی و امکان‌سنجی بهره‌برداری صنعتی از املاح دریاچه ارومیه با رعایت ملاحظات محیط‌زیستی.
 ۲۱. شناسایی کانون‌های تولید ریزگرد و تثبیت آن‌ها.
 ۲۲. مطالعه و اجرای برنامه حفاظت اکولوژیک پارک ملی دریاچه ارومیه با اولویت منطقه جنوبی آن.
 ۲۳. انجام هماهنگی با قوه قضائیه در راستای تسهیل و تسریع در اجرای قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه به‌ویژه چاه‌های اثرگذار بر آب‌های سطحی.
 ۲۴. ایجاد مرکز آینده‌پژوهی دریاچه ارومیه توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست.
 ۲۵. آسیب‌شناسی اثرات سلامتی، بهداشتی، اجتماعی و محیط‌زیستی ناشی از خشک شدن بخشی از دریاچه ارومیه، تهیه و اجرای برنامه پیشگیری و کاهش ریسک اثرات محتمل.
 ۲۶. تهیه برنامه افزایش اشتغال و معیشت جایگزین توسط دستگاه‌های ذیربط.
 ۲۷. امکان‌سنجی استفاده از فناوری‌های نوین در راستای احیای دریاچه ارومیه.
 ۲۸. مطالعه طرح انتقال آب از دریای خزر به دریاچه ارومیه.
 ۲۹. شناسایی گونه‌های شورپسند متناسب با شرایط منطقه و برنامه‌ریزی جهت کاشت آن‌ها در محدوده شورزارهای اطراف دریاچه ارومیه.
- فهرستی از اقدامات اقتصادی-اجتماعی دارای قابلیت تأثیرگذاری بر تالاب و نیاز آبی آن توسط کمیته اقتصادی ستاد احیا ارائه شده است. (صص. ۵۳-۵۲)
- تغییر مسیر توسعه منطقه از کشاورزی به صنعت و بازرگانی.
 - توسعه صنایع دستی مؤثر در کارآفرینی، اشتغال و توسعه استان
 - ایجاد زیرساخت‌های مناسب جهت استفاده از منابع جدید انرژی
 - توسعه مدیریت بیمه خانوار و کشاورزی در نظام بهره‌برداری نوین آب و زمین
 - تغییر سازمان تولید و بهبود کارآیی نهاده‌های بخش کشاورزی منطقه
 - تقویت برنامه‌های آموزشی و ترویجی در استفاده بهینه از منابع با تأکید بر منابع آبی در جهت تقویت تولید و افزایش درآمد کشاورزان.

- اجرای برنامه‌های تشویقی (مالی و غیرمالی) در جهت توسعه سیستم‌های نوین آبیاری.
- جلب مشارکت مالی و انسانی ذینفعان منطقه در احیای دریاچه.
- تدوین نظام بهره‌برداری آب (سطحی و زیرزمینی) منطقه با رویکرد اقتصادی نمودن فعالیت‌ها.
- تشکیل بورس آب در جهت تقویت مبادلات آب.
- تشکیل بانک اطلاعات بهره‌برداران آب و زمین کشاورزی.
- خریداری چاه و حقاچه کشاورزی توسط دولت و مسدود کردن آن‌ها.
- تشکیل هیأت تنظیم مقررات بهره‌برداری آب در منطقه با مشارکت ذینفعان.
- تسریع در اجرای طرح‌های فاضلاب و تولید پساب شهرها و روستاهای محدوده دریاچه.
- کاهش تخصیص آب کشاورزی پایاب سدها.
- متوقف کردن کارخانجات قند و جلوگیری از کشت چغندر قند و سایر محصولات کشاورزی پرآب‌بر.
- شناسایی راهکارهای مناسب در جهت بهبود راندمان آبیاری شبکه‌های آبیاری و زهکشی و کانال‌های سنتی مزارع.
- تصویب قوانین خاص مدیریت منابع آب و کشاورزی برای حوضه آبریز دریاچه ارومیه.
- استفاده از مدیریت مشارکتی در شبکه‌های آبیاری و زهکشی، تغییر الگوی کشت، متناسب‌سازی قیمت آب با هزینه‌های واقعی آب، تخصیص مجدد بر اساس ارزش واقعی آب.

سؤالات مهم: اول، اکنون سؤال این است که ستاد احیای دریاچه ارومیه برای تحقق کدام یک از این موارد برنامه مدون داشته و تا چه اندازه موفق به اجرای آن‌ها شده است؟ دوم، ستاد چه اولویت‌بندی‌ای بر این موارد اعمال کرده است؟ سوم، آیا بودجه‌ریزی اقدامات ستاد احیا با اولویت‌ها تطبیق داشته است؟ چهارم، ستاد چه ظرفیت‌سازی‌ای برای تحقق این موارد انجام داده است؟

ضرورت ارزیابی: گزارش حاوی چارتی در صفحه ۵۵ است که ابعاد بسیار مهمی از «برنامه جامع احیای اکولوژیکی دریاچه ارومیه» را نشان می‌دهد. احیای دریاچه مستلزم تدوین و اجرای اقدامات ستاد احیا مطابق این چارت بوده است. اکنون باید ارزیابی کرد که مندرجات این چارت تا چه اندازه اجرا شده و تخصیص اعتبارات و انرژی سازمانی ستاد به بخش‌های مختلف چارت تا چه اندازه متوازن بوده است.

یک نکته: چارت «برنامه جامع احیای اکولوژیکی دریاچه ارومیه» هیچ جایی برای انتقال آب تعریف نکرده است، اما ستاد علی‌رغم تأکید بر احیای اکولوژیک، انتقال آب را از اهم برنامه‌های خود قرار داده است.

▪ صفحات ۵۶ تا ۶۶ گزارش، برنامه‌های پژوهشی، اجرایی و پیشی ضروری برای احیای دریاچه را برای

سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ تشریح می‌کند.

▪ دو توضیح مهم:

- پاسخ سؤال از میزان موفقیت در احیای دریاچه را باید در سنجش میزان پایداری به این برنامه احیای اکولوژیک یافت.

- فقدان انسجام سیاستی در برنامه ستاد احیا، بر اساس گزارش «تدوین چشم‌انداز احیای دریاچه ارومیه» کاملاً آشکار است. ستاد در اردیبهشت و تیر ۱۳۹۳ اقدامات خود را در دو جلسه مصوب می‌کند؛ و در شهریور ۱۳۹۳ نیز برنامه احیای اکولوژیک را منتشر ساخته است (سند ۱۴) که ضمن تفاوت‌های اساسی با مصوبات، انتقال بین‌حوضه‌ای آب اصلاً در آن وجود ندارد. این تناقض شاهدهی است بر این‌که برنامه‌های مطالعاتی راهی جدای از اقدامات مصوب می‌پیموده است.

○ گزارش «دریاچه ارومیه: علل خشکی و تهدیدات احتمالی»، ستاد احیای دریاچه ارومیه، شهریور ۱۳۹۴.

- دو نمودار صفحه ۲۲ و نمودار صفحه ۲۵ این گزارش نشان می‌دهند که چگونه روند حفر چاه‌ها و توسعه کشت سبب فشار بر منابع آبی حوضه دریاچه ارومیه شده است.
- نمودار صفحه ۲۶ نیز سهم اشتغال، تولید ناخالص و مصرف آب هر بخش از اقتصاد حوضه دریاچه ارومیه را نشان می‌دهد. نمودارهای صفحه ۲۷ نیز نشان می‌دهند که برنامه احیا باید بر کدام تغییرات و بهبودها در حوضه دریاچه ارومیه متمرکز می‌شده است.

توضیح: این گزارش نشان می‌دهد بهبود اصلی در وضعیت مصارف آب حوضه آبریز باید با کاهش سطح اراضی زیر کشت، کاهش کشت باغی، کاهش محصولات پرآب‌بر، کاهش تلفات کشاورزی، و انتقال اشتغال از بخش کشاورزی به خدمات و صنعت صورت می‌گرفته است.

○ گزارش «دریاچه ارومیه: نگاهی بر راهکارهای مصوب، وضعیت اجرایی و پیشرفت پروژه‌ها»، ستاد احیای دریاچه ارومیه، شهریور ۱۳۹۴.

- پیش‌گفتار گزارش به صراحت اذعان دارد که:

- عمده اعتبارات صرف اجرای پروژه‌های انتقال آب، لایروبی و ساماندهی رودخانه، اجرای طرح‌های جمع‌آوری و انتقال پساب، و کنترل کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی از طریق اجرای سیستم‌های آبیاری نوین شده است. (توضیح: نتایج مطالعات نشان می‌دهد این گونه سیستم‌ها سبب کاهش مصرف آب بالاخص در سطح حوضه نمی‌شوند.)

- گزارش در صفحه ۵ خود به موانع اصلی احیای دریاچه اشاره می‌کند. پنج عامل ذکر شده، در اصل همان عواملی هستند که همواره وجود داشته‌اند و ستاد احیای دریاچه ارومیه از اساس برای غلبه بر این مشکلات ایجاد شده بود. در ضمن، این مشکلات و نسبت آن‌ها با برنامه احیای اکولوژیک مشخص نشده است. (ص. ۵) آیا کارگروه ملی نجات دریاچه ساختاری فرابخشی نبوده است که این گزارش به فقدان آن اشاره می‌کند؟

- صفحات ۳۳ و ۳۴ گزارش، وجوه بسیار مهم دیگری از اقدامات ستاد را آشکار می‌سازد. جدول

صفحه ۱۷ نشان می‌دهد ۲۱,۴۶ درصد اعتبارات در سال ۱۳۹۳ صرف توسعه سیستم‌های آبیاری نوین شده اما به جای هدف ۳۰۵ میلیون متر مکعبی فقط ۷۸,۱ مم صرفه‌جویی شده است؛ و ۱۹۰۰ میلیارد تومان نیز برای سال ۱۳۹۴ درخواست شده است. این در حالی است که شرایط مالی کشور در این سال‌ها به برنامه‌ریزان امکان می‌داد برآورد کنند که پروژه‌های انتقال آب - علی‌رغم تعارض‌شان با برنامه احیای اکولوژیک - با نیازمندی حدود ۲۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار، در افق ۱۴۰۲ نیز تأمین مالی نخواهند شد. **سؤال این است**

که چرا این میزان از اعتبارات صرف این اقدامات سازه‌ای شده است.

○ سخنرانی مسعود تجریشی با عنوان «بررسی علل خشک شدن دریاچه ارومیه و چگونگی احیای آن: رهیافتی برای مدیریت آب و توسعه پایدار کشور» در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در ۱ دی ۱۳۹۴.

■ اسلاید شماره ۴۴ ارائه‌شده در این سخنرانی، حاوی ساختار کارگروه‌های تخصصی ستاد است. گزارش اقدامات کارگروه‌هایی نظیر «اشتغال و معیشت جایگزین»، «احیای اکولوژیک دریاچه»، «مدیریت آب کشاورزی» و بقیه کارگروه‌هایی که مستقیماً بر کاهش مصرف در حوضه اثر داشته‌اند تاکنون منتشر نشده است.

■ اسلاید شماره ۵۸ نیز ده‌ها اقدام تفصیلی را نشان می‌دهد که جز گزارش‌های مربوط به ساخت سازه‌های انتقال آب و بقیه اقدامات سازه‌ای، بقیه منتشر نشده است.

○ آقای مسعود تجریشی در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۹۵ نیز در مرکز بررسی‌های استراتژیک در یک سخنرانی عمومی مجموعه اسلایدهایی را تحت عنوان «گزارش روند احیا، اقدامات انجام شده، مشکلات و ملزومات احیای دریاچه ارومیه» را ارائه می‌کنند.

■ اسلاید شماره ۳۸ آن به اهم دست‌آوردهای اجتماعی و فرهنگی ستاد اختصاص دارد. این اسلاید به دقت نشان می‌دهد ادراک ستاد از امر اجتماعی و فرهنگی در کلیت احیای دریاچه ارومیه چه بوده و چه میزان برای آن هزینه شده است.

■ اسلایدهای شماره ۴۱، ۴۲، ۴۳ و ۴۴ این مجموعه نیز به اقدامات حوزه توسعه منطقه‌ای اختصاص دارد. این اسلایدها نشان می‌دهند ستاد حداقل تا دی‌ماه ۱۳۹۵ اصلاً به بحث توسعه منطقه‌ای وارد نشده است و صرفاً برداشتی کلی و بسیار ناقص از نسبت این امر با احیای دریاچه در قالب چند اسلاید تدوین شده است.

۱۲. تصویب‌نامه شماره ۵۳۸۳۴/ت/۵۲۱۳۹-هـ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱ که در جلسه ۱۳۹۴/۴/۲۴ به تصویب رسیده است و با پیوست آن (فهرست پروژه‌های مصوب) ۲۳ صفحه است، نشان می‌دهد:

○ طرح‌های مصوب به پیشنهاد دبیرخانه کارگروه ملی یا همان ستاد احیای دریاچه ارومیه تدوین شده‌اند. بنابراین ستاد اختیار تطبیق دادن طرح‌ها با الزامات احیای اکولوژیک دریاچه را داشته است.

○ مجموع اعتبارات مصوب این پروژه‌ها ۱۹۲۷۴,۵ میلیارد ریال است که کماکان عمده آن به انتقال آب، ایجاد تأسیسات تصفیه فاضلاب، و آبیاری تحت فشار تخصیص داده شده است. (این سه مقوله ۱۱۵۲۳ میلیارد ریال را به خود اختصاص داده‌اند.)

- اقدامات مربوط به معیشت جایگزین، تغییر الگوی کشت، توسعه روش‌های مشارکتی برای کاهش مصرف آب، اقدامات نرم‌افزاری-حقوقی برای تغییر ساختار اقتصادی منطقه، تدوین الگوی آمایش سرزمین آب‌محور، و هر آنچه که بتوان آن را با «احیای اکولوژیک دریاچه» متناسب دانست، در این مصوبه و تخصیص اعتبارات آن، جایگاهی ندارد.
- اقدامات مربوط به حوزه اقتصاد آب نیز در این مصوبه هیچ جایگاهی ندارد.
- ادراک از مقولات اجتماعی و فرهنگی نیز کماکان بسیار سطحی و در حد مفهوم فرهنگ‌سازی با اعتبارات اندک در این مصوبه گنجانده شده است.

تغییرات هیدرولوژیک و اقدامات وزارت نیرو در حوضه دریاچه ارومیه

- گزارش دفتر مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه‌های آبریز دریای خزر و دریاچه ارومیه در دی‌ماه ۱۳۹۶ نشان می‌دهد تغییرات هیدرولوژیک در حوضه دریاچه ارومیه به شرح زیر است.
- نیاز آبی دریاچه سالیانه معادل ۳۰۸۶ میلیون متر مکعب است.
 - بارش‌ها در حوضه به دو دوره تقسیم می‌شود.
 - دوره اول: ۱۳۳۱-۱۳۳۰ تا ۱۳۷۴-۱۳۷۳ با میانگین ۳۷۴ میلی‌متر بارش سالیانه
 - دوره دوم: ۱۳۷۵-۱۳۷۴ تا ۱۳۹۲-۱۳۹۱ با میانگین ۳۱۷ میلی‌متر بارش سالیانه
 - میانگین آب سطحی ورودی به دریاچه در دوره دوم حدود سالیانه ۲۵۰۰ میلیون متر مکعب کاهش یافته و از ۴۹۳۹ میلیون متر مکعب به ۲۴۴۰ میلیون متر مکعب رسیده است.
 - وزارت نیرو در سال‌های ۹۴-۹۳ تا ۹۶-۹۵ مجموعاً ۱۷۰۰ میلیون متر مکعب رهاسازی از سدها برای تأمین حقایق محیط‌زیستی صورت گرفته است.
 - جمعاً ۴۵۳۹ چاه به کنتور هوشمند مجهز شده‌اند. (حدود ۱۰ درصد چاه‌های غیرمجاز حوضه بر اساس آخرین آمار سال ۱۳۹۰ و بدون ملاحظه چاه‌های محفوره جدید).
 - جمعاً ۵۷۳۷ چاه محفوره غیرمجاز بعد از سال ۱۳۸۵ مسدود شده که میزان تخلیه آن‌ها ۷۱,۰۳ میلیون متر مکعب بوده است.
 - جلوگیری از اضافه‌برداشت ۱۰۰۰ چاه غیرمجاز با تخلیه ۴۱,۸۱ میلیون متر مکعب انجام شده است.
 - کاهش رهاسازی آب برای مصارف کشاورزی از سدهای در دست بهره‌برداری نیز انجام شده و میزان رهاسازی برای کشت آبی از ۹۴۳ به ۷۴۲ م‌م کاهش یافته است.
 - ۲۰۷ م‌م از پساب نیز برای احیای دریاچه تخصیص داده شده است که اعتبار مورد نیاز آن تا سال ۱۳۹۷ حدود ۱۲۰۰۰ میلیارد ریال است. تصفیه‌خانه‌های احداث شده جمعاً ۱۴۱,۸ م‌م آب تولید می‌کنند.

ایده‌های منتقدان چه بوده است؟

ستاد احیای دریاچه ارومیه در خلاء و بدون مواجهه با نظرات منتقدان کار نکرده است. منتقدان در نشست‌های تخصصی و نوشته‌های مختلف نسبت به روند پیشبرد برنامه احیا نقد وارد کرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی نیز گزارش‌هایی ارائه کرده‌اند

که علی‌رغم لحن محافظه‌کارانه‌شان، نقدهایی را نیز وارد کرده‌اند. انتقاداتی که در این‌جا ذکر می‌شود همه موارد انتقادی درخصوص سیاست‌ها و عملکردهای ستاد احیای دریاچه ارومیه نیست، اما طیف گسترده‌ای از انتقادات معطوف به مواردی است که در این‌جا بیان شده‌اند.

۱. گزارش «ارزیابی سریع وضعیت و چشم‌انداز حوضه آبی دریاچه ارومیه». تیم کارشناسان فائو، فوریه ۲۰۱۵.

○ این سند تصریح می‌کند که «تیم کارشناسان، شکاف‌ها و ضعف‌هایی را در برنامه احیای کنونی و هم‌چنین در دانشی که مبنای مداخلات بوده، یافته‌اند.» (ص. ۱) و در ادامه می‌افزاید «به علت فقدان انسجام برنامه‌ای و خلل شناسایی شده در برنامه، کارآیی لازم برای اقدامات به‌کارگرفته‌شده حاصل نشده است و حتی اقدامات بعدی به‌سزای پایدار حوضه آبی دریاچه را نیز دچار مشکل می‌کند.»

○ کارشناسان فائو در قالب اقدامات پیشنهادی برای تعامل فائو با ستاد احیای دریاچه ارومیه، محورهایی را عطف به کاستی‌ها توضیح داده‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- یکی از کاستی‌های شناسایی‌شده محاسبه مصرف آب از طریق تبخیر و تعرق (ET) در حسابداری آب است.
- پایه اجتماعی-اقتصادی و ارائه سناریوهای بدیل برای حوضه، از جمله تحلیل و ترسیم نقشه نهادی.
- بهبود نظام مدیریت کشت از جمله انتخاب گونه‌های مختلف با مصرف آب کمتر، محصولات بدیل و کاهش سطح زیر کشت.
- بهبود کارآیی اقتصادی محصولات از طریق توسعه زنجیره ارزش (صنعت کشاورزی).
- تنوع‌بخشی به محصولات، ایجاد معیشت‌ها و مشاغل جایگزین برای کشاورزان و جمعیت روستایی.
- ارتقای منابع درآمدی بدیل.
- ایجاد یک چارچوب کارآمد برای تطبیق با تغییرات اقلیمی
- توسعه ظرفیت گروه‌های کشاورزی (شامل تعاونی‌ها و تشکل‌های بزرگ‌تر) و تشکل‌های آب‌بران.
- تقویت خدمات ترویجی برای کشت آبی.

سؤال مهم: آیا برنامه ستاد احیای دریاچه ارومیه قبل و بعد از دریافت گزارش فائو، برای پوشش دادن این کاستی‌ها تعدیل شده است؟ آیا برنامه در شرایط فعلی حاوی سیاست‌های منسجمی برای برآوردن ملزومات معطوف به محورهای ذکرشده است؟

۲. «نقدی بر روند کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه: نتایج و پیشنهادات» نوشته سعید مرید.

- استدلال سعید مرید در این گزارش آن است که:
- ستاد نسبت به تلاش‌های صورت‌گرفته در قالب «برنامه جامع مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه» (۱۳۸۹) بی‌توجه بوده است.
 - ستاد کماکان به دنبال سیاست عرضه‌محور انتقال آب و تولید آب جدید است و مدیریت مصرف در حوضه را انجام نمی‌دهد.
 - مهم‌ترین اقدام کاهش مصرف، توسعه آبیاری نوین بوده که بدون ملاحظه حسابداری آب در سطح حوضه و صرفاً بر اساس راندمان آبیاری در مزرعه در دستور کار قرار گرفته و به نتایج قصدشده نمی‌رسد.

۳. سعید مرید در دو نامه در ۱۳۹۴/۴/۱۴ و ۱۳۹۵/۲/۱۵ درخصوص مدل توسعه داده شده توسط JIKA برای هیدرولوژی دریاچه ارومیه، به نکته مهمی اشاره می کند. وی متذکر می شود که مدل نشان داده است که تعطیل کردن کل کشاورزی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه صرفاً ۲۵۰۰ میلیون متر مکعب آب به دریاچه اضافه می کند. این یافته دو نکته را مشخص می کند:

- برآورد ستاد در نقشه راه احیای دریاچه ارومیه درخصوص کاستن ۴۰ درصدی از آب کشاورزی و ارائه ۱۳۴۰ میلیون متر مکعب آب به دریاچه مبتنی بر برآورد ۳۳۵۰ میلیون مترمکعب آب کشاورزی در حوضه بوده است.
- ستاد تکلیف این مهم را در برنامه خود مشخص نکرده است که چگونه بدون کاستن از سطح زیر کشت در حوضه می توان به ۱۳۴۰ میلیون مترمکعب کاهش مصرف آب کشاورزی رسید؟

۴. دیدگاه های آلساندرو آماديو (نماینده یونیدو در ایران). اردیبهشت ۱۳۹۵.

- وزارت امور خارجه در ۹ اردیبهشت سال ۱۳۹۵ میزبان نشستی با حضور طرف های همکار خارجی ستاد احیای دریاچه ارومیه و مسئولان ستاد بود؛ و در جریان این نشست گفت و گوهایی با آماديو و استودتو درباره عملکرد ستاد احیا و گزارشی که مسعود تجریشی در این نشست از عملکرد ستاد ارائه کرد بحث شد. دیدگاه های این دو نفر – بالاخص آماديو – نکات مهمی را درباره رویکرد ضروری برای احیای دریاچه ارومیه آشکار می سازد. **این رویکرد در برنامه ستاد احیای دریاچه ارومیه به کلی مغفول است.** اهم دیدگاه های آماديو به شرح زیر است.

- **مسأله دریاچه ارومیه عمدتاً بر اثر سوءمدیریت منابع آب و کشاورزی ایجاد شده، و بنابراین قبل از هر چیز باید این سوءمدیریت را اصلاح کرد.** بقیه اقدامات نظیر آوردن آب از طریق سازه های هیدرولیکی، فواید حاشیه ای داشته و به علت اصلی نمی پردازند.

- دو اولویت وجود دارد: **کاهش مصرف آب، و حفظ استاندارد زندگی** مردمی که در حوضه آبریز ارومیه زندگی می کنند. برای تحقق این سناریو، دو گزینه وجود دارد:

■ **محصول/فناوری:** تغییر آبیاری باغات سیب و سایر باغ ها از آبیاری سطحی به آبیاری قطره ای یا زیرزمینی؛ ممنوعیت آبیاری محصولات دارای ارزش افزوده پایین؛ افزایش کشت گلخانه ای به جای سیب.

■ **درآمد:** باید ارزش افزوده محصولات افزایش یابد، خواه با بهبود زنجیره ارزش محصولات فعلی نظیر بهبود بازاریابی و کیفیت سیب و انگور، یا با تغییر کشت به محصولات باارزش نظیر سبزیجات یا گل.

- آنچه اکنون در حال انجام است، دقیقاً در جهت معکوس روندهای پیشنهادی است. ارزش محصولات سنتی نظیر سیب پایین می آید چراکه برنامه ریزی و بازاریابی بد است، و در نتیجه کشاورزان اراضی بیشتری را برای افزایش تولید و درآمد کشت می کنند.

○ **افسانه دیگر آن است که سازه های هیدرولیک می توانند مسأله را حل کنند.**

- **پول لازم برای اصلاح و ممانعت از بروز مسائل محیط زیستی باید از بازار بیاید.** اگر بازار آزاد

باشد و سیاست‌های درستی به کار گرفته شود، کاتالیزور سود/تقاضا/عرضه، کار کرده و اعتبار مالی لازم را فراهم می‌کند.

○ در مورد دریاچه ارومیه، مسئولیت را متوجه کشاورزان کردن نادرست است. کشاورزان کوشیده‌اند تا سود خود را از طریق آن‌چه که دولت مرکزی یا محلی اجازه داده‌اند، به حداکثر برسانند. آیا باید بابت این کار سرزنش شوند؟ اصل این است که هر کس به میزان خسارتی که به محیط زیست برای کسب درآمد زده، هزینه بپردازد. اجتماعات محلی که نظام کشاورزی بهره‌کشی کننده از منابع طبیعی را ایجاد کرده‌اند باید هزینه را بپردازند اما نه به تنهایی. تاجر سیب در تهران که سیب را به قیمت محدود می‌خرد و سود می‌برد نیز باید هزینه و سهم خود را در احیا بپردازد.

○ اگر شرایط مهیا باشد جوامع محلی برای پرداخت هزینه خود مشکلی ندارند. ما با اضافه کردن ارزش به محصولات ایشان می‌توانیم ایشان را وارد این کار کنیم. این کار دو راهبرد دارد: انتقال به محصولات با ارزش‌تر نظیر گل یا محصولات گلخانه‌ای؛ افزایش قیمت محصولات سنتی از طریق منصفانه کردن رقابت در این بخش. افزایش قیمت می‌تواند از طریق قیمت دادن به نهاده‌ها و از همه مهم‌تر آب، صورت گیرد.

○ یک ابزار کارآمد برای ایجاد سازوکار سالم عرضه/تقاضا جهت تأمین اعتبار برنامه احیای دریاچه ارومیه، تعیین سهمیه برای نهاده‌های اصلی تولید یعنی آب و زمین است.

○ سهمیه و قیمت آب می‌تواند با ارزیابی دقیق چاه‌های موجود و پایش دقیق برداشت آب صورت گیرد. آب کمتر و با قیمت، می‌تواند درآمد بیشتر و کارآمدی بهتر ایجاد کند.

○ بهره‌وری بیشتر کشاورزی معمولاً با هزینه سرمایه‌گذاری بسیار کمی ایجاد می‌شود. افزایش تحقیق و توسعه در کشاورزی، ارائه فناوری‌های بهتر به بازار و کاهش هزینه فناوری‌های جدید می‌تواند مؤثر باشد.

○ سیاست سهمیه زمین و خرید سهمیه برای کشت انگور در ایتالیا، اسپانیا و فرانسه به کار برده شده است.

○ سیاستی که امروز در حوضه آبریز برای احیای دریاچه به کار برده می‌شود، فقط بر افزایش عرضه آب تأکید دارد.

○ این مسأله باید با مدیریت حل شود و نه با سازه‌های گران قیمت. لذا پیشنهاد می‌کنم:

▪ برای آب سهمیه تعیین کنید، آب را قیمت‌گذاری کنید، و به این ترتیب منابع بیشتر برای احیای دریاچه کسب نمایند.

▪ محیطی ایجاد کنید که کشاورزان بتوانند درآمد بیشتری از کشت محصولات با ارزش‌تر به دست بیاورند. برخی کاستی‌های بازار را اصلاح کنید نظیر اصلاح تمرکز تجارت در دست عده‌ای محدود.

- آگاهی و فرهنگ تغییر را برای کشاورزان ایجاد کرده و آن‌ها را به محیط کسب و کار جدید وارد کنید.
- این اقدامات ممکن است زمان‌بر باشد و به تصمیمات سیاسی نیاز دارد، اما پایدار هستند و بسیار ارزان‌تر از سازه‌های گران‌قیمت تمام می‌شوند.
- ۵. دیدگاه‌های پاسکواله استودتو (کارشناس فائو)
 - آبیاری اصلی‌ترین معضل آب منطقه و حسابداری آب در حوضه آبریز نیز ناقص است.
 - راهکارهای اصلی مدیریت منابع آب این حوضه آبریز به شرح زیر است:
 - کاهش مصرف آب بالاخص در بخش کشاورزی
 - دستور کار تغییر کشاورزی منطقه بر اساس ملاحظات اکوسیستم و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی
 - حسابداری آب برای کل سیستم حوضه آبریز
 - سیستم مدیریت خشکسالی مبتنی ارزیابی ریسک/آسیب‌پذیری
 - برنامه معیشت جایگزین با ملاحظه شرایط اجتماعی و اقتصادی
 - برنامه مدیریت یکپارچه منابع آبی حوضه آبریز
 - برنامه ارتقای ظرفیت مدیریت منابع آب در حوضه آبریز
 - اجرای همه برنامه‌ها به صورت مشارکتی و فراگیر
 - استودتو در بخشی از سخنان خود می‌گوید «بند ۱۰ در صفحه ۱۱۰ گزارش سال ۲۰۱۲ طرح حفاظت از تالاب‌های ایران درباره دریاچه ارومیه، راهکار احیای دریاچه ارومیه را بیان می‌کند.» ترجمه این بند به این شرح زیر است: «مدیریت آب و کشاورزی پایدار: مطالعات نشان داده است که بخش کشاورزی ۹۵ درصد از منابع آب حوضه آبریز را مصرف می‌کنند، و ظرفیت بسیاری زیادی برای افزایش بهره‌وری مصرف آب در سطح مزرعه و ذخیره کردن حجم قابل توجهی آب برای احیا و پایدارسازی دریاچه وجود دارد بدون آن‌که تولید کشاورزی و درآمدهای کشاورزان لطمه بخورد. این منبع بالقوه آب می‌تواند جایگزین نیاز به ساخت سدهای جدید نیز باشد.»
 - احیای دریاچه نیازمند موارد زیر است:
 - کاهش قابل ملاحظه مصرف آب
 - اصلاحات در بخش کشاورزی
 - اصلاحات در ساختار اقتصادی منطقه و تغییر مشاغل
 - عزم راسخ سیاسی و مصالحه اجتماعی
- ۶. اظهارنظر مرکز بررسی‌های استراتژیک، سال ۱۳۹۵.
 - مرکز بررسی‌های استراتژیک نظر خود درباره اقدامات ستاد احیای دریاچه ارومیه را به شرح سند ۲۸ اعلام کرده است. اهم مندرجات این ارزیابی به شرح زیر است:

- بدون کاهش مصرف آب به میزان ۴۰ درصد در بخش کشاورزی، بقیه طرح‌ها از جمله طرح‌های انتقال آب و بقیه اقدامات سازه‌ای، اثر معناداری بر احیای دریاچه نخواهند داشت.
- کاهش مصرف آب کشاورزی به میزان ۴۰ درصد حداقل نیازمند اصلاحات بنیادین زیر است.
 - ممانعت از توسعه کشت در حوضه آبریز
 - تغییرات بنیادین در الگوی کشت (محصولات کم‌آبر و واریته‌های کم‌آبر)
 - اصلاحات اساسی در نظام بازار محصولات کشاورزی به منظور افزایش درآمد کشاورزان از محصولات باارزش‌تر با سطح زیر کشت کمتر
 - تمهید کردن معیشت جایگزین برای کشاورزان به منظور کاهش اتکای حوضه آبریز به کشاورزی
 - بهبود فناوریانه در همه عرصه‌های کشاورزی (آبیاری، بذر، کشت، نگهداری محصولات، و ...)
 - اصلاحات نهادی و قیمت‌گذاری آب
 - راه‌اندازی بازار آب
- اصلاحات بنیادین ذکر شده مستلزم اقدامات زیر است:
 - همکاری گسترده برای ارتقای دانش، فناوری و بنیان‌های نهادی کشاورزی در حوضه آبریز، بر اساس رویکرد میان‌رشته‌ای و با حضور متخصصان داخلی و خارجی،
 - جایگاه غیرقابل خدشه و بسیار پررنگ رویکرد اجتماعی-مشارکتی در برنامه‌ریزی احیای دریاچه ارومیه.
- اصلاحات بنیادین در نظام بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات برنامه احیای دریاچه ارومیه بر اساس اصول:
 - تکیه کردن بر کم‌هزینه‌ترین روش‌ها. از این منظر، هدف قرار دادن ۷ میلیارد دلار اعتبار برای احیای دریاچه در شرایط فعلی اقتصاد ایران، کاملاً در جهت معکوس و تکیه بر پرهزینه‌ترین روش‌هاست.
 - **تغییر بنیادین در سبب اعتبارات برنامه‌های احیای دریاچه مبتنی بر اولویت دادن به توزیع اعتبارات اقدامات طراحی‌شده بر مبنای سهم آن‌ها در تأمین آب لازم برای احیای دریاچه.** این در حالی است که بیشترین اعتبارات با فاصله فاحش به اقدامات سازه‌ای اختصاص یافته که سهمی یک‌سوم کاهش مصرف آب کشاورزی در تأمین آب لازم برای احیای دریاچه دارند.
 - تضمین یکپارچه و منسجم بودن برنامه احیای دریاچه بر اساس:
 - ✓ مدیریت یکپارچه حوضه آبریز
 - ✓ استقرار نظام حسابداری آب دقیق در سطح حوضه
 - ✓ اصلاحات بنیادین در حکمرانی آب حوضه آبریز

- ✓ اولویت اکید دادن به اقدامات غیرسازه‌ای (سه دهه اقدامات سازه‌ای در این حوضه انجام و وضعیت فعلی حاصل شده است).
- ✓ دخالت مؤثر داشتن همه ذینفعان (کشاورزان، صنایع، نمایندگان بخش آب شرب، اتحادیه‌های تجاری کشاورزی، نیروهای حاکمیتی محلی و ...) در تدوین برنامه احیا بر اساس سازوکار اجماع بدون حق وتو برای هیچ یک از طرفین وارد شده در مذاکرات برای تدوین برنامه.
- ✓ تدوین یک برنامه دقیق جلب مشارکت ذینفعان، اطلاع‌رسانی عمومی کارآمد، و بازاریابی اجتماعی برنامه احیای دریاچه ارومیه.
- تدوین گزارشی مشتمل بر تحلیل هزینه-فایده اقدامات سازه‌ای (از جمله پروژه‌های انتقال آب) و سناریوهای محتمل برای اثرگذاری این سازه‌ها بر احیای دریاچه با توجه به هزینه‌بر و زمان‌بر بودن ساخت این گونه سازه‌ها.
- تدوین و انتشار عمومی یک گزارش ملی درباره وضعیت دریاچه، برنامه احیای دریاچه، اقدامات انجام‌شده و توصیف اقدامات صورت‌گرفته درباره همه موارد مندرج در بندهای شش‌گانه فوق. این گزارش باید به تأیید جمعی از متخصصان و نمایندگان ذینفعان برنامه احیای دریاچه ارومیه برسد و فقط گزارش ستاد احیای دریاچه ارومیه نباشد. این گزارش باید پایداری هر یک از اقدامات طراحی‌شده برای احیای دریاچه و هم‌چنین معنای دقیق، الزامات و پی‌آمدهای احیای دریاچه در ترازهای مختلف را نیز در بر داشته باشد.
- علی‌رغم اقدامات صورت‌گرفته در ستاد احیای دریاچه ارومیه، برنامه ستاد احیا به جهت همه موارد فوق کاستی‌های جدی دارد و این امر علاوه بر آن‌که احیای دریاچه ارومیه را با مشکل مواجه ساخته و پی‌آمدهای ناگوار ناشی از عدم احیای دریاچه را بر منطقه و کشور تحمیل می‌کند، دولت و ریاست محترم جمهوری را با بار سنگین انتقادات مواجه خواهد ساخت.

رد برخی فرضیات درباره علل شکست احیای دریاچه

- پیش از هر گونه بحث و نتیجه‌گیری از مطالب ارائه‌شده باید چند نکته را مد نظر داشت.
- نکته اول. هر گونه اقدامی درخصوص دریاچه ارومیه باید برخی واقعیت‌های مهم را مد نظر می‌داشت، از جمله:
- تعداد چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۹۱، از ۲۶۳۰ به ۸۲۳۸۳ حلقه رسیده است.
 - میزان تخلیه چاه‌ها از ۲۸۳،۳ به ۱۸۲۴ میلیون متر مکعب رسیده است. (افزایش ۶ برابری)
 - مجموع چاه‌های مجاز و غیرمجاز حوضه ۱۰۰۹۸۵ حلقه است که سالیانه ۲۸۸۸ میلیون متر مکعب از آب زیرزمینی را تخلیه می‌کنند.
 - هر ساله ۷۱۱ میلیون متر مکعب بیش از حجم تجدیدشونده حوضه آب برداشت می‌شود.
 - شرکت‌های آب منطقه‌ای نه فقط برداشت‌های اضافی را کنترل نکرده‌اند بلکه با صدور مجوز ۷۷۳ حلقه

چاه جدید، ۶۵ میلیون متر مکعب بر برداشت‌ها افزوده‌اند.

○ قبل از انتقال آب از حوضه‌های مجاور، کاهش مصرف در حوضه است که دریاچه را زنده نگه می‌دارد، ولی در این مورد اقدامی نشده است.

نکته دوم. چرا باید به صراحت عبارت «شکست احیای دریاچه ارومیه» را به کار برد؟ زیرا آمارهای هیدرولوژیک نشان می‌دهند میزان آب موجود در دریاچه به مراتب کمتر از زمان آغاز پروژه احیای دریاچه است. خروج از رویکرد منفعلانه به این مسأله نیازمند پذیرش این واقعیت است.

نکته سوم. چرا این گزارش به دو علتی که مسئولان ستاد احیای دریاچه ارومیه برای ناکامی‌های ستاد بیان کرده‌اند نمی‌پردازد؟ این دو علت عبارتند از: کمبود منابع مالی برای تکمیل پروژه‌ها، و فقدان هماهنگی میان مسئولان استانی و ملی در جهت پیشبرد اهداف ستاد.

- اول این که مدیران ستاد احیای دریاچه ارومیه می‌دانستند که کشور در یکی از بدترین شرایط از نظر تنگنای مالی قرار دارد و مطلع بودند که حتی در بهترین شرایط مالی کشور نیز پروژه‌های عمرانی نزدیک به یک دهه تأخیر خواهند داشت و بنابراین سرمایه‌گذاری روی این گونه اقدامات در این شرایط عقلانی نبوده است.

- دوم، وجود ناهماهنگی در حکمرانی آب و منابع محیط‌زیستی حوضه دریاچه ارومیه سبب شده بود این پیکره آبی رو به خشکی برود. ستاد احیای دریاچه ارومیه در اصل برای ایجاد این هماهنگی و فائق آمدن بر «مسأله کنش جمعی» و مقابله با بخشی‌نگری تأسیس شد و بنابراین بیان این که دریاچه احیا نشد زیرا مسئولان همکاری نکردند، به معنای پذیرش عبث بودن نفس ایجاد ستاد است.

نکته چهارم. آیا تأمین منابع مالی به اندازه کافی می‌توانست سبب احیای دریاچه ارومیه شود. بررسی انجام‌شده نشان داد که بیشترین منابع ستاد صرف اقدامات سازه‌ای از جمله انتقال آب و توسعه سیستم‌های نوین آبیاری شده است. مطالعات نشان می‌دهد سیستم‌های آبیاری نوین بدون رعایت ملاحظات - که هیچ‌کدام در برنامه‌های ستاد وجود نداشته است - سبب کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی نمی‌شوند. عامل اصلی خشک شدن دریاچه ارومیه نیز توسعه کشت و مصرف بالای آب برای کشاورزی ذکر شده است و برای احیا ضرورت داشت میزان مصرف آب کاهش یابد. انتقال آب به دریاچه نیز با میزان نیاز آبی دریاچه برابر نبوده و به شرط تحقق، قادر به احیای دریاچه نبوده و نخواهد بود. بنابراین تأمین مالی کافی نیز سبب احیای دریاچه نمی‌شده است هر چند شاید می‌توانسته سبب افزایش آب ورودی به دریاچه شود.

تبیین ناکامی در احیای دریاچه ارومیه

استدلال گزارشی که از فرایند طی‌شده برای احیای دریاچه ارومیه و سیاست‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه ارائه شد را می‌توان در چند محور خلاصه کرد. مدعا این است که بررسی انجام‌شده شواهد پشتیبان برای این استدلال فراهم می‌کند.

۱. ستاد احیای دریاچه ارومیه به نتایج «برنامه جامع مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه» که طی چندین سال با

مشارکت سازمان‌های بین‌المللی فراهم شده بود توجه نمی‌کند. این امر و پی‌آمد برای برنامه ستاد احیا داشته است. اول، از دست دادن زمان برای انجام مطالعاتی که قبلاً انجام شده بود. دوم، بی‌توجهی به تأکید «برنامه جامع مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه» بر ضرورت کاهش مصرف و اجتناب از اقداماتی نظیر انتقال آب و متمرکز شدن بر سازه‌های آبی برای مدیریت بحران خشکی دریاچه ارومیه.

۲. شناخت این واقعیت که خشکی دریاچه ارومیه نتیجه توسعه اراضی زیر کشت و افزایش برداشت برای مصارف کشاورزی از منابع آب سطحی و زیرزمینی است، و تأکید خود ستاد بر ضرورت کاهش ۴۰ درصد در مصارف آب کشاورزی حوضه، الزام می‌کرد که بیشترین هزینه و اقدامات ستاد به کاهش مصرف آب کشاورزی (نه کاهش رهاسازی از سدها که در نهایت با کاهش نیافتن سطح زیر کشت سبب نارضایتی کشاورزان و تنش اجتماعی می‌شود) معطوف می‌شد.

۳. ستاد برنامه فعالیت‌های سازه‌ای را در دستور کار قرار داده - در حالی که کاملاً مشخص بوده است که با وضعیت منابع مالی کشور، امکان ندارد این پروژه‌ها در زمان مشخص شده به نتیجه برسند - و بیشترین اعتبارات را صرف این اقدامات کرده است. این بدان معناست که:

- امروز با مجموعه‌ای از سازه‌ها و پروژه‌های نیمه‌تمام روبه‌رو هستیم و دریاچه نیز آبی بیشتر از گذشته از طریق این سازه‌ها دریافت نکرده است.
- زیرساخت نهادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی لازم برای قرار گرفتن در مسیر احیا نیز ایجاد نشده است.
- وضعیت منابع مالی کشور نیز چشم‌انداز روشنی برای تکمیل این سازه‌ها نشان نمی‌دهد.
- سابقه سیاست عرضه‌محور منابع آبی بدون تأکید بر مدیریت مصرف نشان می‌دهد آب تأمین شده ناشی از تکمیل این سازه‌ها نیز در میان مدت سبب احیای دریاچه نمی‌شوند.

۴. ستاد هرگز به این سؤال پاسخ نگفته است که با وجود مصرف ۲۵۰۰ میلیون متر مکعب آب کشاورزی در حوضه، چگونه بدون کاهش سطح زیر کشت می‌توانسته است ۱۳۴۰ میلیون متر مکعب آب صرفه‌جویی کرده و به دریاچه برساند.

۵. کاهش مصرف از طریق مدیریت تقاضا نیازمند انجام اقدامات زیر بوده است:

- توسعه نظام سنجش، جمع‌آوری و پردازش داده‌های پایه منابع آب به منظور شفاف‌سازی، اعتمادسازی و تسهیل مشارکت ذینفعان، و امکان‌پذیر ساختن سنجش اثر اقدامات ستاد احیا در سطح حوضه.
- تغییر دستور کار کشاورزی منطقه بر اساس ملاحظات اکوسیستم و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی

■ ممانعت از توسعه کشت در حوضه آبریز

■ تغییرات بنیادین در الگوی کشت (محصولات کم‌آبر و وارپته‌های کم‌آبر)

■ اصلاحات اساسی در نظام بازار محصولات کشاورزی به منظور افزایش درآمد کشاورزان از محصولات باارزش‌تر با سطح زیر کشت کمتر

■ بهبود فناوریانه در همه عرصه‌های کشاورزی (آبیاری، بذر، کشت، نگهداری محصولات، و ...)

- توسعه نظام تحقیق و توسعه در سطح حوضه آبریز
 - راه‌اندازی نظام حسابداری آب برای کل سیستم حوضه آبریز
 - تهیه سیستم مدیریت خشکسالی مبتنی بر ارزیابی ریسک/آسیب‌پذیری
 - تدوین برنامه معیشت جایگزین با ملاحظه شرایط اجتماعی و اقتصادی، و با مشارکت فرابخشی
 - برنامه مدیریت یکپارچه منابع آبی حوضه آبریز
 - اصلاحات در ساختار اقتصادی منطقه و تغییر مشاغل از کشاورزی به صنعت و خدمات
 - اصلاحات نهادی و قیمت‌گذاری منابع آب و انرژی
 - توسعه بازار آب
 - توزیع اعتبارات اقدامات طراحی شده بر مبنای سهم آن‌ها در تأمین آب لازم برای احیای دریاچه.
 - دخالت مؤثر همه ذینفعان (کشاورزان، صنایع، نمایندگان بخش آب شرب، اتحادیه‌های تجاری کشاورزی، نیروهای حاکمیتی محلی و ...) در تدوین برنامه احیا بر اساس سازوکار اجماع بدون حق وتو برای هیچ یک از طرفین وارد شده در مذاکرات برای تدوین برنامه.
 - تدوین یک برنامه دقیق جلب مشارکت ذینفعان، اطلاع‌رسانی عمومی کارآمد، و بازاریابی اجتماعی برنامه احیای دریاچه ارومیه.
 - تدوین برنامه سیاسی و اجتماعی جلب تعهد سیاستمداران و مقامات ملی و محلی به برنامه احیا
 - تدوین برنامه تفصیلی «حل مناقشه» و پیش‌بینی مناقشات ناشی از پی‌آمدهای ناشی از اصلاحات فوق برای اقتصاد سیاسی و وضعیت اجتماعی و سیاسی حوضه آبریز دریاچه ارومیه.
۶. تدوین برنامه‌ای با مختصات که در بند ۵ ذکر شد مستلزم آن بود که ستاد احیای دریاچه ارومیه - فراتر از دعوت صدها نفر از متخصصان - واقعاً رویکردی میان‌رشته‌ای می‌داشت که بر علوم اقتصادی، اجتماعی، اقتصاد سیاسی، آموزش و ترویج کشاورزی، اقتصاد آب و منابع محیط‌زیستی، و سایر علوم با تأکیدات غیرسازه‌ای تمرکز می‌کرد. ستاد احیای دریاچه ارومیه فراتر از دعوت چند متخصص این گونه علوم به برخی جلسات، به‌واقع برخلاف این مسیر حرکت کرده است.
۷. مواجهه با مسأله بسیار پیچیده و «بدخیم» (Wicked) احیای دریاچه ارومیه، که به‌واسطه کردار ترکیبی اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی ایجاد شده است، نیازمند ائتلاف‌سازی اجتماعی-سیاسی است. این گونه مسائل به شدت درگیر تعارض منافع فردی و سازمانی هستند و غلبه بر این منافع نیازمند اجماع‌سازی از مسیر ائتلاف‌هایی است که تأمین منافع مشروع راه هم‌سود ساخته و بر منافع نامشروع از طریق فشار اجتماعی غلبه می‌کنند. ستاد هرگز چنین چارچوبی برای تحلیل مسأله احیای دریاچه ارومیه نداشته است.
۸. شفاف‌سازی و اعتمادسازی از طریق گزارش‌دهی دقیق و معتبر یکی از پیش‌نیازهای موفقیت در غلبه بر مسائل بدخیم و نیازمند مشارکت همگانی است. تعداد اندک و با محتوای بسیار ناقص موجود در سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه بهترین شاهد بر فقدان چنین سازوکاری در این ستاد است.

۹. فقدان شفافیت و سازوکارهای گزارش‌دهی عمومی معتبر به ستاد اجازه داده است تا فقدان انسجام سیاستی و سیاست‌های نادرست را با اصرار پیش ببرد. این ستاد در حالی که مکتوب اعلام می‌کند خود را متعهد به احیای اکولوژیک دریاچه می‌داند (در گزارش شهریور ۱۳۹۳) اما عملاً برخلاف توصیه‌های برنامه احیای اکولوژیک عمل می‌کند.

شمار علت‌های شکست ستاد احیای دریاچه ارومیه را می‌توان بیش از این ذکر کرد، اما تبیین شکست بر مبنای ۹ علت ذکر شده کاملاً امکان‌پذیر است. هر گونه چشم‌انداز آینده برای اصلاح برنامه‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه و امید به احیای دریاچه بدون توجه به علل برشمرده شده، تیره و ناخرسندکننده خواهد بود.

دام مسیر طی شده

ستاد احیای دریاچه ارومیه در مدت فعالیت خود چند هزار میلیارد تومان اعتبارات را صرف کرده است. تخصیص این حجم اعتبارات به طرح‌های ستاد احیاء در شرایطی صورت گرفت که برخی از مهم‌ترین طرح‌های مرتبط با صیانت از منابع آب کشور از جمله طرح احیاء و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی به علت کمبود اعتبارات عملاً متوقف شد یا ضربه اساسی خورد.

آنچه آینده برنامه احیای دریاچه ارومیه را تهدید می‌کند «دام مسیر طی شده» است. «دام مسیر طی شده» به این معناست که نظام سیاست‌گذاری کشور به دلیل صرف‌شدن اعتبارات کلان در اقدامات سازه‌ای نیمه‌کاره، کماکان بر تکمیل آن پروژه‌ها اصرار ورزیده و از تغییر مسیر خودداری نماید. سابقه سیاست‌های توسعه در کشور نشان می‌دهد این محتمل‌ترین گزینه‌ای است که برآیند نظرات و منافع ذینفعان نسبت به آن همگرا خواهد شد. خروج از رویکرد منفعل که مستلزم شجاعت سیاستی و مقاومت در برابر رویکردها، تحلیل‌ها و منافی است که مسیر طی شده را بر سرنوشت دریاچه ارومیه تحمیل کردند.

جمع‌بندی

احیای دریاچه ارومیه با فرایندی که تاکنون طی شده و برنامه‌ای که ستاد اجرا کرده ناممکن است. **سیاست ستاد صورت دیگری از عرضه بیشتر آب بدون هیچ گونه اصلاحات نهادی در ساختار نظام کشاورزی، توسعه منطقه‌ای، اقتصاد منابع آب و انرژی، و تحول در صورتبندی اقتصادی-اجتماعی حوضه آبریز بوده است.** رویکرد پروژه‌ای-سازه‌ای بر کل عملکرد ستاد مستولی بوده و نتیجه آن نیز اذعان مدیران ستاد به پیچیده بودن مسأله و نادیده گرفته‌شدن مسائل اجتماعی در جریان فعالیت ستاد است. ضمن آن که کماکان ستاد برداشتی سطحی از مفهوم «اجتماعی» داشته و ماهیت عمیق این واژه را در نیافته است. تزریق منابع بیشتر سبب احیای دریاچه ارومیه نمی‌شود و بدون بازنگری اساسی در کل رویکرد به مدیریت احیای دریاچه ارومیه، قطعاً شاهد نابودی این تالاب خواهیم بود.